

انتخابات ثرواتی ریاست جمهوری را تحریم کنیم؟

انتخابات تنها به مثابه سیاهی لشکر و برای خالی نبودن عریضه در این نمایش مسخره شرکت داده شده اند.

امامی کاشانی، سخنگوی شورای نگهبان، در سخنانی که در نماز جمعه تهران ایراد کرد (کیهان ۲۵ اردیبهشت) به روشنی و با لحنی آمرانه و فتووال منشانه، اعلام کرد: "رئیس جمهور باید قبل از هر چیز یک رجل مذهبی باشد..."

ما در گذشته اعلام کرده ایم و بار دیگر ادامه در ص ۴

هم میهنان عزیز!

روز ۲۱ خرداد ماه ششمین "انتخابات" ریاست جمهوری در کشور ما برگزار می شود. امروز دیگر کمتر کسی است که از ماهیت این نمایش انتخاباتی، که در شرایط استیلاي استبداد و اختناق و در نبود کامل حقوق و آزادی های دموکراتیک در کشور ما برگزار می گردد، بی اطلاع باشد. حتی سران رژیم نیز پنهان نمی کنند که این "انتخابات" تنها با هدف برگماری دوباره رفسنجانی به مقام ریاست جمهوری سازماندهی شده است و دیگر شرکت کنندگان در



شماره ۴۰۳، دوره هشتم
سال نهم، ۱۸ خرداد ۱۳۷۲

روز جهانی کودک

و سرنوشت غم انگیز
کودکان در جمهوری اسلامی

۱۱ خرداد روز جهانی کودک است. چهل و چهار سال پیش به ابتکار "فدراسیون دمکراتیک زنان جهان" روز اول ژوئن (۱۱ خرداد)، برای جلب افکار عمومی جهان به زندگی و مشکلات کودکان و مبارزه در راه احقاق حقوق آنان در سراسر جهان، روز کودک نامگذاری شد.
کودکان در کشور ما همواره در شرایط بسیار نامناسب و دشوار که زاید به جوامع عقب مانده است، زندگی کرده اند. محرومیت اجتماعی بخش عظیمی از جامعه ما در کنار کمبود امکانات آموزشی بهداشتی، هزاران کودک را به سمت کارهای دشوار و توان فرسا و در برخی شرایط به سوی مرگ می راند. آمار مرگ و میر کودکان در کشور ما به ۳۶۵ مرگ در روز و ۱۳۴,۰۰۰ در سال بالغ می شود.
ادامه در ص ۴

تحلیل هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران پیرامون اوضاع کنونی کشور

کار - راست موسوم به گروه رسالت، تعدادی از هواداران رفسنجانی و عناصر "بی خط" گرفتند. نمایندگان گروه حذف شده از حاکمیت در همان هنگام به روشنی و صراحت پرده از روی این برنامه جناح حاکم برداشتند و در سخنرانی های خود از تریبون مجلس شورای اسلامی اعلام کردند: "اگر به این نتیجه رسیده بودید که وجود و حضور ما در متن حکومت مانع پیشرفت کارهاست می توانستید رسماً به ما بگویید، ما بسادگی آماده بودیم صحنه را به نفع شما ترک کنیم... ولی در عمل نشان داده شد که جناح به اصطلاح میانه رو مایل نیست به ترک مخاصمه آرام تن دهد، بلکه می خواهد با قلع و قمع خشونت بار و با حذف سراسری جناح رادیکال برای همیشه خیال دشمنان خارجی را آسوده سازد..." (از سخنان هادی خامنه ای در مجلس شورای اسلامی).

تحریم انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی از سوی نیروهای مختلف سیاسی و بخش های وسیعی از اقشار مردم نشان داد که پایگاه اجتماعی رژیم بسیار محدود شده است و از این رو طبیعی است که ادامه حیات حکومت تنها در گرو تشدید اختناق و جو فشار حاکم در کشور خواهد بود. یورش وسیع و خونین ارگان های انتظامی به حرکت ها و اعتراضات وسیع مردمی که شهرهای مختلف کشور از شیراز تا تبریز را، در تابستان سال گذشته، فرا گرفت، موج دستگیری

میهن ما درگیر تحولات مهم و سرنوشت سازی است. رویدادهای گوناگونی که در سال گذشته و خصوصاً در ماه های اخیر رخ داده است، نشانگر حرکت تدریجی ولی قطعی جامعه ما به سمت یک تصمیم گیری حیاتی و سرنوشت ساز پیرامون آینده نظام کنونی است.

از یک سو تحولات سیاسی مهمی در حاکمیت و پیرامون آن و در میان نیروهای مخالف رژیم در حال شکل گیری است و از سوی دیگر بحران فزاینده اقتصادی، که با تصمیم گیری ها و جهت گیری های اخیر دولت دوچندان شده است، در مجموع شرایط زندگی را برای مردم کشور ما هر روز دشوار تر می کند. در کنار این تحولات، تغییرات مهم و تعیین کننده ای در عرصه روابط جهانی با جمهوری اسلامی نیز پدید آمده است که محتاج بررسی و مذاقه جدی است.

تحولات سیاسی

با برگزاری چهارمین دوره "انتخابات" مجلس شورای اسلامی، حاکمیت جمهوری اسلامی گام مهمی در راه پاکسازی صفوف خود از عناصر "رادیکال" و "دگراندیش" برداشت. در این روند بخش مهمی از گروهی که به نیروهای "خط امام" معروف بودند و می توانستند برخی مزاحمت ها برای برنامه های اقتصادی دولت رفسنجانی ایجاد کنند از مجلس شورای اسلامی حذف گردیده و جای آنان را عمدتاً عناصر وابسته به گروه محافظه

در صفحات دیگر

زندانیان سیاسی را
آزاد کنید!
کمیته حقوق بشر
جنایتکاران

ص ۷
ص ۷

ادامه در صفحات ۲ و ۳

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

تحلیل هیئت اجرائیه حزب ...

ها و سپس اعدام های سریع و تهدید سران رژیم برای سرکوب خونین هرگونه صدای مخالفتی، تایید کننده نظریه بالا بود. نتایج انتخابات چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی، در عین حال، نشانگر قدرت گیری روز افزون جناح محافظه کار جمهوری اسلامی در ساختار حاکمیت بود. این جناح با قبضه ولایت قبیله، مجلس شورای نگهبان، و قوه قضائیه کشور را توان فوق العاده ای برای دیکته کردن و پیش بردن نظرات اجتماعی - اقتصادی خود بهره ور گردید و در مجموع به نیروی غالب در حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل شد. همکاری نزدیک رفسنجانی با این جناح برای پاکسازی گروه "مزاحم" از مجلس، در عمل به تضعیف مواضع و در درون حاکمیت و در عرصه بین المللی منجر گردید. کارزار "مبارزه با تهاجم فرهنگی" که پس از برگزاری انتخابات به دستور مستقیم "رهبر" سازماندهی شد و هدفش محاف روشنفکری، روزنامه ها و مضوعات کشور که در خط "ولی قبیله" نبودند، بود نخستین نشانه های بهره گیری عینی محافظه کاران از قدرت و همه های قبضه شده توسط این جناح در رویه های سیاسی و اجتماعی کشور بود. قیامی شدن وزیر رشد اسلامی کابینه هاشمی رفسنجانی که جرم مهمش برخورد بیبرسی و دادن برخی زادی های خبی محدود به مصوعات کشور بود، در کنار تهدید سایر وزیری که در خط "ولی قبیله" نیستند به روشنی ز توفقه و بیده بستان های نهانی رفسنجانی با گروه محافظه کار پرده برداشت.

برای درک اثر این تغییرات در ماهیت طبقاتی حاکمیت تنها کافی است اشاره کنیم که با حذف گروه "رادیکال" آخرین نمایندگان خورده بورژوازی سنتی ایران از حاکمیت پاکسازی شدند و حاکمیت جمهوری اسلامی عمدتاً به نمایندگان بورژوازی بازار و بورژوازی بوروکراتیک - انکلی نوین، محدود گردید. ماهیت طبقاتی این حاکمیت که نماینده عقب مانده ترین و انکلی ترین جناح های سرمایه داری ایران است، تصویر روشن تری از سمت و سوی تحولات اقتصادی، اجتماعی کشور نیز بدست می دهد.

با محدودتر شدن پایگاه طبقاتی حاکمیت، بخش عمده ای از "مسلمانان مبارز" و نیروهایی که در ابتدای انقلاب و سال های بعد به مثابه یکی از اهرم های عمده حاکمیت در مقابله با سایر نیروها به کار گرفته می شد، در مجموع در موضع مخالفت با رژیم قرار گرفت و بدین ترتیب صف مخالفان حکومت جمهوری اسلامی بازم گسترده تر گردید.

این پدیده با یورش خشن نیروهای انتظامی به دفتر آیت الله منتظری و دستگیری گروهی از نزدیکان او، در بهمن ماه سال گذشته، به اوج خود رسید. اگر تا دیروز جمهوری اسلامی مدعی بود که تنها گروه اندکی "منافق" و "کمونیست" و "ضد انقلاب" با حکومت مخالف هستند، امروز با توجه به طیف

وسیع مخالفان رژیم چنین ادعایی نمی تواند از سوی کسی جدی گرفته شود. مخالفت طیف وسیعی از نیروهای مذهبی از گروه "رادیکال" ها تا طرفداران آیت الله منتظری، در کنار تشدید فعالیت نیروهای ملی گرا، به رهبری مهندس بازرگان و داریوش فروهر، و سایر نیروهای مخالف رژیم و اوجگیری موج نارضایتی عمومی در درون کشور، دشواری های نوینی را در راه ادامه حرکت جناح های حاکم به سمت تثبیت حاکمیت ایجاد کرده است. تحريم وسیع انتخابات ریاست جمهوری و خودداری همه نیروهای دگر نیش، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، از شرکت در انتخابات بهترین نشانه و دلیل نزوی کم سیاسی حاکمیت جمهوری اسلامی در مینهن است. وسعت این انزوا آنچنان است که حاکمیت سعی رغه تلاش های فراوان حتی نتوانسته است یک کاندیدی "نیمه معتبر" برای گره کردن بزرگ انتخابات وارد صحنه کند.

مجموعه آنچه که در بالا ذکر شد تصویر نسبت گویایی از ورشکستگی روزافزون مجموعه حاکمیت در کن و شخص رفسنجانی به مثابه یکی از سکنه ران صی رژیم ارائه می دهد.

نکته دیگری که توجه به آن ضروری است، این مسنه است که با تقویت مواضع گروه محافظه کار در درون حاکمیت، برنامه های رفسنجانی برای تغییر ضدهی و بهبود سیمای ضد انسانی و خشن جمهوری اسلامی، خصوصاً در عرصه بین ملی، حد ق در شرایط کنونی، با شکست کامل روبرو گردیده است. این ارزیابی به شکل گسترده ای در گزارش مفسران سیاسی مختلف از وضاع ایران و در روند تیرگی روابط کشورهای غربی با جمهوری اسلامی بوضوح انعکاس یافت.

نامیدی سیاستمداران و مفسران غربی از امکان موفقیت رفسنجانی در پیش بردن سیاست های "میانه روانه" در چارچوب رژیم "ولایت قبیله" تا به آنجا رسید که مفسر لوموند در تحلیل مفصل خود از اوضاع ایران، در چهاردهمین سالگرد انقلاب، سیاست های رفسنجانی را در مجموع شکست خورده و تسلیم شده در مقابل گروه محافظه کار ارزیابی کرد. اگر چه در چنین ارزیابی هایی همواره برخی زیاده روی های تبلیغاتی برای فشار آوردن منعکس است، ولی تغییر سیاست، حتی موقتی، رفسنجانی از موضع نزدیکی با غرب به موضع "اطاعت بی چون چرا" از "اوامر رهبری" و پذیرش شعارهای "ضد آمریکایی" و "ضد غربی"، تشدید عملیات تروریستی گروه های اسلامی هوادار جمهوری اسلامی، و مطرح شدن دوباره "فتوای قتل سلمان رشدی در ماه های اخیر بیشک نمی تواند اتفاقی باشد.

این مجموعه از سیاست های حاکمیت در کنار سیاست های ماجراجویانه در خلیج فارس، و تحریکات جمهوری اسلامی در الجزایر، مصر، آذربایجان، تاجیکستان و سایر کشورهای منطقه، آنچه را که دولت رفسنجانی و وزارت امور خارجه آن در سال های پیش یافته بودند یکشبهه پنبه کرده و جمهوری اسلامی را بار دیگر در انزوا و کامل سیاسی در عرصه بین المللی قرار داد.

این موقعیت علی رغم تلاش های اخیر وزارت امور خارجه و مسافرت های ولایتی به

عربستان سعودی و سایر کشورهای منطقه بهبود چندانی نیافته است و در روزهای های اخیر، با خودداری عربستان از صدور اجازه راهپیمایی "زائران" ایرانی و تشدید فشار آمریکا بر دولت های غربی و بانک های جهانی پیرامون جلوگیری از دادن اعتبار به جمهوری اسلامی وخیم تر نیز شده است.

تحولات اجتماعی - اقتصادی

سیاست های مختلف و گاه حتی متضاد اقتصادی جمهوری اسلامی در سال های گذشته، در مجموع، اثرات مخربی برای کشور ما بیار آورده است. محتوای عمده این سیاست ها، آزاد کردن هر چه بیشتر دست سرمایه داران بزرگ در چپاول هر چه بیشتر حراج منابع ملی و مالی کشور زیر عنوان "سپردن کار مردم به مردم" بوده است. روند خصوصی کردن صنایع تولیدی و بخش هایی از خدمات اجتماعی، از جمله بهداشت و آموزش، در کنار رشد فزاینده تورم، ادامه سیاست اتکا بر فروش نفت برای پاسخگویی به "نیازهای مصرفی" جامعه و حرکت به سمت کم کردن هرچه بیشتر نقش دولت در حمایت از اقشار محروم جامعه با حذف تدریجی سوبسید بر کالاها اساسی، مشخصه های عمده سیاست های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی در پنج سال گذشته بوده است. این سیاست بر خلاف ادعاهای اخیر رئیس جمهور، کشور ما را به سمت ورشکستگی کامل مالی و نابودی بخش مهمی از صنایع داخلی کشور راند. بدهی سنگین ارزی ایران که مبلغی بیش از ۳۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود، در کنار ادامه و تشدید رشد منفی موازنه تجاری جمهوری اسلامی با شش کشور صنعتی جهان (آلمان، ژاپن، فرانسه، ایتالیا، انگلیس و آمریکا) که از ۳۱۴ / میلیارد دلار در سال میلادی ۹۱ به ۱۵۴ / ۶ میلیارد دلار در سال ۹۲ افزایش یافته است (کیهان ۷۲/۱/۱۰) معیار واقعی موقعیت اقتصادی کشور در حال حاضر است. پیاده کردن سیاست آزاد سازی قیمت ریال در مقابل دلار و سایر ارزهای خارجی که بدون کوچکترین برنامه ریزی قبلی برای پیشگیری اثرات مخرب و فوری آن در حیات اقتصادی - اجتماعی کشور به مرحله اجرا در آمد نیز بنوبه خود ضربه مرگباری بر پیکر بیمار صنایع تولیدی کشور وارد آورد. به عبارت دیگر دولت جمهوری اسلامی در پیاده کردن برنامه های مورد نظر بورژوازی بزرگ بازار و بورژوازی بوروکراتیک نوین، هرچه بیشتر به سمت پیاده کردن یک اقتصاد متکی بر "دلالتی" و "تجارت آزاد" گام برداشته است. خلاصه این برنامه که در جریان ارائه بودجه سال ۷۲ به شکل واضح و علنی در مجلس به نقد کشیده شد، عبارت است از "فروش نفت و بازمه فروش نفت". بدیهی است که چنین سیاست مخربی اثرات دهشتناک اجتماعی نیز به همراه دارد. مهمترین مشخصه سال های اخیر گسترش و تعمیق فقر در جامعه از یک سو و انباشت ثروت های افسانه ای در دست گروه

طرفداران آیت الله منتظری و بخش هایی از نیروهای مذهبی حذف شده از حاکمیت، در کنار گسترش امکان تشدید فعالیت نیروهای سیاسی مترقی و آزادیخواه کشور به دلیل رشد نارضایتی های اجتماعی در مجموع تصویر امیدوار کننده تری از گذشته بدست می دهد.

سال اخیر بیشک سال رشد مبارزه اجتماعی و حتی سیاسی خود جوش توده ها علیه رژیم "ولایت فقیه" بود. از قیام های مردمی تابستان گذشته که در مشهد و شیراز اوج بی سابقه ای گرفت تا اعتراضات وسیع کنونی علیه رشد قیمت ها و تجمع دهقانان در شهرهای مختلف، نشان می دهد که بر خاکستر شکست انقلاب جوانه های جنبش وسیع دیگری برای دستیابی به آزادی و عدالت در جامعه ما در حال رشد و پاکرفتن است. موفقیت این جنبش در حال رشد، که در حال حاضر از سازمان یافتگی بسیار کمی برخوردار است، در گرو توان و مهارت نیروهای مخالف رژیم در بهره وری صحیح و اصولی از آن است. حرکت منسجم و واحد نیروهای مخالف رژیم و دستیابی به یک شعار و برنامه مشترک در شرایط کنونی از اهمیت و ضرورت ویژه ای برخوردار است. رشد واقع بینی سیاسی، اگرچه کند و گاه ناپیکر، در میان گروه ها و نیروهای مختلف اپوزیسیون این امیدواری را ایجاد کرده است که بتوان در آینده، همراه با رشد و روند تحولات درون کشور، گام های مهم و تعیین کننده ای را در ایجاد یک توافق و ائتلاف وسیع ملی برداشت.

رشد نارضایتی عمومی و درگیری وسیع توده های مردم با حاکمیت، امکان گسترش مبارزه اجتماعی و ارتقا تدریجی آن به مبارزه سیاسی سازمان یافته را بیش از گذشته مهیا ساخته است. استفاده هوشیارانه از این امکانات در شرایط کنونی از وظایف عمده و درنگ ناپذیر نیروهای مبارز درون کشور است.

ما بر خلاف کسانی که امیدوارند با اتکا به کمک "قدرت های خارجی" ایران را از بندهای استبداد رها سازند، معتقدیم که سرنوشت مبارزه دشوار و بفرغ کنونی همچون تجربه های گذشته در تاریخ اخیر کشور ما در گرو مبارزه وسیع و قهرمانانه توده های وسیع و متحد مردم و نیروهای آزادیخواه و تحول طلب کشور ما می باشد. تاریخ اخیر کشور ما نشان داده است که "قدرت های کشورهای امپریالیستی کوچکترین علاقه ای به سرنوشت مردم ما ندارند و تنها هدفشان ایجاد امکانات بیشتر برای بازگشت چرخ تاریخ به عقب، باز پس گرفتن کامل امکانات گذشته و بهره وری سیاسی، مالی و استثمار مردم میهن ماست.

روند رویدادها، امید تحولات سرنوشت سازی در آینده نه چندان دوری را در دلها ایجاد می کند. رژیم "ولایت فقیه"، با توجه به رشد روابط اجتماعی اقتصادی جامعه، نمی تواند یک پدیده ماندنی در کشور ما باشد. در این عرصه آمادگی نیروهای مترقی و سطح سازمان یافتگی جنبش مردمی کوتاه بودن و یا طولانی بودن حیات این رژیم را تعیین خواهد کرد.

شرایط اقتصادی - اجتماعی کشور حائز اهمیت است، اوج گیری فزاینده نارضایتی عمومی از این سیاست هاست. این نارضایتی ها به شکل گسترده تر و مداوم تری از گذشته در برخوردهای روزمره با حاکمیت بروز یافته و شرایط را برای یک انفجار بزرگ اجتماعی آماده کرده است.

آزاد سازی نرخ ریال و رشد ناگهانی قیمت ها در عرصه های مختلف در ماه های گذشته، برخوردهای وسیعی را در شهرهای مختلف کشور برانگیخته است که توجه جدی به آن برای تعیین سیاست آتی نیروهای مترقی و شکل دادن به مبارزه خودجوش کنونی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

برخی نتیجه گیری ها

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که شرایط عینی و ذهنی جامعه ما در مجموع به ضرر حاکمیت تغییر یافته است. شکاف عمیق در صفوف نیروهای مذهبی، که رهبری انقلاب را چهارده سال پیش بدست گرفتند، پایگاه اجتماعی رژیم را بسیار تضعیف کرده است و سرنیزه و سرکوب تنها اتکای جدی ساختار کنونی برای ادامه حکومت است. ادامه رشد این شکاف در آینده می تواند به برخوردهای شدید تر و حتی خونین رژیم با این گروه ها منجر گردد. حاکمیت کنونی نشان داده است که برای ادامه حیات خود حاضر است نزدیکترین دوستان و متحدان دیروزی خود را، بدون کوچکترین ناراحتی، از دم تیغ بگذراند و قلع و قمع کند. ولی این دیگر تکیه بر سر نیزه نیست، بلکه نشستن بر سر نیزه است.

حزب ما، همواره، در سال های گذشته، با پرهیز از ارزیابی های شتاب زده و گاه احساسی تلاش کرده است تا از هرگونه خوشبینی ذهنی خودداری کند و بر این نکته پای فشارد که امیدوار بودن به تغییر حاکمیت در یک روند خود به خودی و کاملاً اتفاقی و ایجاد شرایط برای استقرار دموکراسی، عدالت و حتی "انتخابات آزاد" چیزی جز یک تصور واهی بیش نیست. بر عکس، رژیم کنونی نشان داده است که سرسختانه مصر است، تا سرحد توان، به سیاست های مخرب، ضد انسانی و قرون وسطایی خود در عرصه های مختلف ادامه دهد و تنها در مقابل مبارزه وسیع، فراگیر و سازمان یافته توده ها سیاست های خود را تغییر داده و یا تعدیل کند. به گمان ما توازن نیروها در جامعه در مجموع به ضرر نیروهای حاکم تغییر کرده است. در هیچ مقطعی از حیات جمهوری اسلامی، پس از حاکم شدن استبداد قحطی، چنین مخالفت های وسیعی در سطوح گوناگون با سیاست های رژیم انجام نگرفته است و این خود نشانه رشد تدریجی ولی قطعی جنبش مردمی و آزادیخواهی کشور به سمت پایان دادن به اوضاع کنونی است. درگیر شدن بخش های وسیع تری از نیروها در مبارزه با رژیم و خارج شدن برخی نیروها از لاک دفاعی خود، از جمله نهضت آزادی، گروه های مذهبی رادیکال مانند

بسیار اندکی از سرمایه داران بزرگ، رهبران جمهوری اسلامی و نزدیکان آنها بوده است. در حالیکه براساس آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران، بین ۲ تا ۵٪ از افراد جامعه از زندگی مرفهی برخوردار هستند، اکثریت عظیم جامعه با دشواری های فراوان امرار معاش می کنند و نزدیک به ۴۵٪ از کل جامعه در فقر کامل بسر می برد و این در حالی است که نقدینگی بخش خصوصی در سال گذشته رشد روز افزونی داشته و هم اکنون سر به هزاران میلیارد تومان می زند.

رشد روز افزون بیکاری نهان و آشکار که حتی بر اساس آمار جمهوری اسلامی به حدود ۴ میلیون نفر می رسد، و سالانه بیش از نیم میلیون نفر به این تعداد افزوده می شود، در شرایط نبود یک سیستم فراگیر و عادلانه تامین اجتماعی، در کنار روند خصوصی سازی بهداشت، آموزش و سایر خدمات اجتماعی عمق بیعدالتی حاکم در جمهوری اسلامی را نشان می دهد.

تاثیرات منفی سیاست های دولت بر کشاورزی کشور نیز، ساختار اجتماعی روستاها را به کلی دگرگون کرده و بخش بزرگی از دهقانان را به مثابه نیروی کار بسیار ارزان به حاشیه شهرها رانده است.

چنین است تصویر گویا و تکان دهنده "موفقیت" های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی، که هاشمی رفسنجانی آن را در تاریخ اخیر کشور ما بی سابقه می داند. به نظر اکثر کارشناسان اقتصادی ایران، ادامه چنین وضعی در دراز مدت غیر ممکن است. دولت جمهوری اسلامی خوب می داند که بدون کمک های مالی خارجی و جلب سرمایه های شرکت های فراملیتی و بزرگ جهان سرمایه داری قادر نخواهد بود بر بحران اقتصادی که خود عامل اصلی پدید آمدن آن بوده است غلبه کند. مانورهای مختلف حاکمیت، از جمله دادن تعهد رسمی و قانونی جهت حمایت از سرمایه های خارجی در ایران و تک نرخی کردن ارز که همگی بخشی از خواست های اساسی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی از جمهوری اسلامی بوده است، به دلیل بی ثباتی سیاسی جمهوری اسلامی نتوانسته است سرمایه گذاری جدی و جدیدی را به ایران جلب کند و تاکنون با خواست ایران مبنی بر پرداخت وام های کلان از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی مخالفت شده است. مشکل اساسی این محافل، ساختار قرون وسطایی جمهوری اسلامی است. در نشست های هیئت های نمایندگی ایران با نمایندگان صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، این موضوع مطرح گردیده است که سرمایه گذاران خارجی چگونه می توانند سرمایه خود را در کشوری بریزند که تمامی قوانین کشوری و دولتی و حتی قانون اساسی آن متکی بر خواست ها و تصمیم گیری یک فرد است و بنابراین هیچگونه پشتوانه قانونی، برای دفاع از این سرمایه گذاری ها در آینده، وجود ندارد. نکته ای که در بررسی

کاندیداهای هم خط و هفت خط



با انتشار نقطه نظرات کاندیداهای "انتخابات" ریاست جمهوری از يك سو مشخص گردید که این کاندیدها از نظر دیدگاه های اصولی تفاوت اساسی با هم ندارند و از سوی دیگر استعداد برخی از این حضرات ، خصوصاً شخص رئیس جمهور در عوامفریبی بیش از پیش مشخص گردید. در زیر توجه خوانندگان "نامه مردم" را به برخی خطوط کلیدی نقطه نظرات کاندیداهای ریاست جمهوری جلب می کنیم :

توکلی :

"... شما يك حوضچه را تصور کنید که از لوله آب وارد می شود که ناشی از فروش ثروت ملی است نه تولید ملی، آنهایی که دور حوضچه از آن استفاده می کنند تعدادشان بالا می رود و آبی که وارد حوضچه می شود مقدارش کم می شود حالا چه اتفاقی می افتد ؟ ..."

جاسبی :

"... اینجانب سیاست های کلی اقتصادی دولت را که خصوصی سازی ، تعدیل اقتصادی و يك نرخي کردن ارز است را مورد تایید قرار می دهم و فکر می کنم این سیاست ها باید دنبال شود..."

رجبعلی طاهری :

"... طرح های مورد نظر اینجانب عبارتند از : فروش کلیه کارخانجات و املاک و اموال دولت، مربوط به نهادها به عنوان جمع آوری نقدینگی و در راستای مهار تورم که به عبارتی همان مسئله خصوصی سازی است..."

هاشمی رفسنجانی :

"... دولت در شروع کار ۱۲ میلیارد بدهی داشت که در حال حاضر با توجه به حجم عظیم سرمایه گذاری های انجام شده (۱) به ۲۰ میلیارد دلار رسیده است ... حتی در کشورهای بسیار پیشرفته هم مردم مشکلات دارند... من در خلال برنامه های دولت یکی از کارهایم مقابله با سویسیدهای غیر عادلانه است... سویسیدی که اینگونه داده می شود پولدارها می خورند (۱)..."

وزیر دادگستری و گالیندوپل

اسماعیل شوشتری ، وزیر دادگستری رژیم ، بر اساس گزارش روزنامه جمهوری اسلامی ، اعلام کرد که دولت ایران دیگر به گالیندوپل اجازه مسافرت به ایران را نخواهد داد. وی در این سخنان از جمله گفت : آقای گالیندوپل به دلیل عدم برخورد از روحیه صداقت و همچنین تاثیر پذیری از فشارهای بین المللی ، هیچ شانسی برای سفر مجدد به تهران ندارد .
وی همچنین گفت درباره پذیرش هیئت های بیطرف و افرادی که صادقانه برخورد کنند آماده ام .

اعلامیه کمیته مرکزی ...

تکرار می کنیم که این نمایش های رژیم کوچکترین ارتباطی به مسایل کشور و سرنوشت دردناک مردم وطن ما ندارد و بنابراین شرکت در آنها تنها می تواند به برنامه های تبلیغاتی رژیم پیرامون "حضور وسیع مردم" در صحنه یاری رساند .

در کشوری که دگراندیشان چه مذهبی و چه غیر مذهبی سرکوب ، شکنجه و اعدام می شوند و هیچ حزب و سازمان سیاسی مخالف "ولایت ققیه" اجازه فعالیت آزاد ندارد ، سخن گفتن از "آزادی" انتخابات ، چیزی جز يك ادعای پوچ و مضحک نمی تواند باشد .

تخریم وسیع انتخابات از سوی نیروهای آزادیخواه و تحول طلب جامعه و عدم شرکت وسیع توده ها در این کارزار تبلیغاتی رژیم ، تنها پاسخ شایسته ای است که می توان به این مانورها داد . باید با تحریم انتخابات به سران جمهوری اسلامی ، و جهانیان اعلام کرد که دوران اختناق و استبداد قفاقتی در مین ما به سر رسیده است و دور نیست آن روزی که مردم مین ما رای واقعی و قطعی خود را با ریختن این رژیم فاسد و ظالم به زیاله دان تاریخ اعلام کنند .

کمیته مرکزی حزب توده ایران
خرداد ماه ۱۳۷۲

گوشه هایی از عملکرد های اقتصادی دولت

نوربخش وزیر اقتصاد و دارایی رژیم در طی سخنانی تایید کرد که سیاست های اقتصادی دولت بد اجرا شده است. روزنامه "ابراز" در این زمینه نوشت : مسئول این وضع ، عملکرد سوء دستگاه های اجرایی و اقدام های خود سرانه عوامل اجرایی است .

در تهران اعلام شد که دولت در ماه های اخیر بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ میلیون دلار از بانک جهانی وام گرفته است. عادل رئیس بانک مرکزی در باره باز پرداخت وام های ایران و تاخیر در آن ، از بانک جهانی خواست تا در این زمینه به ایران فشار وارد نکند. وی سپس در زمینه چاپ بیرویه اسکناس در کشور گفت : اسکناس تمبر نیست که بتوان آن را به حد وفور و بی حد چاپ کرد .

سهم آموزش عالی از منابع کشور

دکتر مصطفی معین در يك مصاحبه طولانی با "کیهان هوایی" به تشریح سیاست های فرهنگی دولت و مشکلات موجود در این زمینه پرداخت. او در این گفتگو از جمله اعتراف کرد :
"علی رغم افزایش قابل توجه بودجه وزارت فرهنگ و آموزش عالی در طول سال های برنامه اول ، اگر در همین سال ها ، نسبت های بودجه آموزش عالی را به بودجه عمومی کل کشور و بودجه عمومی دولت محاسبه کنیم متوجه می شویم که این نسبت ها یا ثابت مانده است یا کاهش یافته اند..."

روز جهانی کودک ...

بر اساس آمارهای رسمی در جمهوری اسلامی بیش از دو میلیون کارگر خردسال وجود دارد که محروم از هرگونه حق و حقوقی ، با مزد بسیار ناچیزی ، به کار شاق و سیاه مشغول هستند و نبود فضای کافی آموزشی و کمبود مدارس سالیانه صدها هزار دانش آموز از رفتن به مدرسه محروم می شوند .

آزار فیزیکی و فشار های طاقت فرسا بر کودکان کشور که ارمغان عقب ماندگی اجتماعی - اقتصادی کشور های جهان سوم است ، داغ تنگی است بر چهره استعمار و امپریالیسم و حکومت های ضدمردمی این کشورها که منابع و امکانات مردم این سرزمین ها را به یغما برده و می برند . مبارزه در راه احقاق حقوق کودکان کشور و تشدید فشار بر جمهوری اسلامی در راه تحقق مواد دهگانه مندرج در اعلامیه سازمان ملل متحد پیرامون حقوق کودکان از وظایف مهم نیروهای مترقی و مبارز کشور ماست .

"کودک از لحظه هستی دارای حقوقی است که جامعه موظف به شناسایی آن است و از آنجا که کودکان به علت ناتوانی جسمانی و فکری قادر به دفاع از حقوق خود نیستند ، توجه به حقوق آنان در حیطه وظایف دولت ها است ."

روسیه

بحران سیاسی روسیه با تصمیم بوریس یتسین به شروع روند کنار گذاشتن قانون اساسی و دعوت یک مجلس تدوین قانون اساسی غیر انتخابی به منظور تصویب طرح مورد نظر یتسین در یک مدت کوتاه، به مرحله جدیدی وارد شد. طرفداران یتسین معتقدند که تا انتهای خرداد ماه قانون اساسی جدید تصویب و قابل اجرا خواهد بود.

فرمان یتسین مبنی بر فراخوانی مجلس تدوین و روز شروع کار مجلس را شنبه ۱۵ خرداد تعیین کرد و با صراحت، تمامی شرکت کنندگان در این پروسه را معرفی نمود.

اینکه چگونه یتسین، که خود سرسختانه از مجلس قانونگذاری فعلی روسیه، کنگره نمایندگان خلق به عنوان یک ارگان غیر دموکراتیک انتقاد می کند، می تواند خود به تشکیل یک مجمع عمومی غیر انتخابی تدوین قانون اساسی دست بزند، مشخص نمی باشد. تنها طرح پیشنهادی به این مجلس، که توسط یتسین تدوین شده است، حتی از سوی طرفداران یتسین به عنوان طرح قانون اساسی "سلطنتی" معرفی شده است. سرگئی فیلاتوف، مشاور عالی یتسین در امور اداری اظهار داشته است که مجلس تدوین قانون اساسی از ۲۵۰ نماینده که از چهار گروه متمایز می باشند، تشکیل خواهد شد.

اولین و بزرگترین گروه، متشکل از ۳۰۰ نماینده از ۸۸ منطقه و جمهوری های تشکیل دهنده روسیه خواهد بود. فرمان یتسین مقرر می دارد که نصف این تعداد باید رهبران ارگان های اجرایی منطقه ای باشند که در اکثریت خود برگماردگان خود یتسین می باشند.

دومین گروه، نمایندگان مستقیم رئیس جمهور و دولت خواهند بود. به علاوه چند نماینده دستچین شده از پارلمان فعلی نیز در این بخش شرکت می کنند. اکثریت این گروه نیز مستقیم و یا غیر مستقیم توسط یتسین گمارده می شوند.

گروه سوم متشکل از تعداد نامشخصی از نمایندگان "ساختارهای تجارتمی و اقتصادی" خواهد بود. گروه چهارم شامل نمایندگان احزاب سیاسی ثبت شده، سازمان های اجتماعی و شوراهای شهر خواهند بود. فقط در این مورد آخر است که امکان اینکه مخالفین یتسین بتوانند نمایندگان خود را به "مجلس تدوین قانون اساسی" بفرستند وجود دارد. آندره گوگانف رهبر حزب کار که وابسته به اتحادیه های کارگری روسیه است اظهار داشته است: "ما در روند کار مجمع تدوین قانون اساسی شرکت خواهیم کرد ولیکن با این درک که مجلس مزبور صرفاً یک ساختار مشورتی است و هیچ موقعیت قانونی ندارد." او اضافه کرد: "فقط کنگره نمایندگان خلق قانوناً حق تدوین قانون اساسی را دارد."

شیوه تعیین انتخاب نمایندگان، زمان مقرر برای تدوین قانون اساسی جدید و وجود فقط یک طرح که مشخصه اصلی آن دادن همه اختیارات به یتسین می باشد، عملاً جایی برای خوش بینی در این جهت که بحران روسیه به زودی به پایان خواهد رسید، باقی نمی گذارد. طرح اعلام شده، عملاً در جهت استقرار دیکتاتوری در روسیه است.

مخالفان یتسین در کنگره نمایندگان خلق نیز ساکت ننشسته اند. طرح پیشنهادی "کنگره..." برای یک قانون اساسی جدید در اجلاس نمایندگان شوراهای منطقه ای و مسئولان ارگان های اجرایی و احزاب



تشکیل یک کمیسیون بررسی در مورد مرگ دستکم ۱۳ نفر در برخوردهای بین طرفدارانش و اعضای جنبش ارتجاعی اینکاتا در نزدیکی ژوهانسبورگ شد. نلسون ماندلا اظهار داشت که برخوردهای خشونت بار در شهرک سیاه پوست نشین شوکوزا در نزدیکی ژوهانسبورگ که باعث کشته شدن حدوداً ۱۵ نفر و زخمی شدن ۶۰ نفر شده است، فقط "به نفع حزب ناسیونال (ملی) می باشد". او گفت: "راه حل مشکلات آفریقای جنوبی برگزاری یک انتخابات آزاد و عادلانه است که دولت کنونی را از راه صلح آمیز سرنگون کند، چرا که آن ها قابلیت حکومت کردن را ندارند".

خاور میانه

هیئت نمایندگی فلسطین در مذاکرات صلح خاورمیانه که ۹ دوره آن در دو سال گذشته انجام پذیرفته، پیشنهاد اسرائیل را مبنی بر اینکه در حال حاضر طرح خودگردانی برای فلسطینی ها، فقط در نوار غزه اشغالی اجرا گردد را رد نمود.

سخنگوی هیئت فلسطینی، خاتم عنان عشراوی، گفت: "ما مخالف تکه تکه شدن و یا تقسیم هستیم، حال این می خواهد در مورد زمین و یا روند مذاکرات باشد. او که با رادیو اسرائیل مصاحبه می کرد، گفت که پیشنهاد نخست وزیر اسحق رابین به کابینه اش در روز ۳ خرداد در مورد خودگردانی نوار غزه در تطابق و همخوانی با خواست های فلسطینی ها، برای یک توافق همه جانبه، نمی باشد.

شکست دور نهم مذاکرات در واشنگتن در اردیبهشت ماه جاری به دلیل مواضع سرسختانه اسرائیل و حمایت آمریکا از این مواضع، عملاً شرایطی را بوجود آورده است که بسیاری عاقلانه بودن ادامه روند مذاکرات را زیر علامت ستوال برده اند. عضو ارشد هیئت مذاکره کننده فلسطینی، حیدر عبدال شافی روز ۳۰ اردیبهشت اظهار داشته است که "سازمان آزادیبخش فلسطین باید تمامی مذاکرات و تماس ها را تا هنگامی که اسرائیل به خودگردانی در همه سرزمین های اشغالی، منجمله اورشلیم شرقی، رضایت ندهد، معوق نماید". عبدال شافی تاکید کرد که این نظر شخصی اوست ولی در صورتی که سازمان آزادیبخش فلسطین شرکت نمایندگان هیئت فلسطینی را در ۱۰مین دور مذاکرات که قرار است خرداد ماه در واشنگتن صورت بگیرد، لازم بداند، او شرکت در هیئت فلسطینی مذاکره کننده را ادامه خواهد داد. البته هنوز هیچ تاریخ مشخصی برای از سرگیری مذاکرات صلح اعلام نشده است. فیصل حسینی، رهبر هیئت فلسطینی از اعضای مردم گروه مذاکره کنندگان خواست که اگر قادر به تحمل فشار نیستند کناره بگیرند. او اظهار داشت: "به تعویق انداختن مذاکرات نیازمند تصمیم گیری سیاسی در بالاترین سطوح می باشد".

سیاسی و سازمان های اجتماعی مطرح گردیده است. طرفداران یتسین اقدام پارلمان را کوششی در جهت خنثی نمودن فرمان رئیس جمهور برای تشکیل مجلس تدوین قانون اساسی می دانند. سخنگوی یتسین، ویچسلاو کوستیکوف گفت: "هدف جلسه گردهم آوردن همه سطوح شوراهای برای حمله به رئیس جمهور می باشد". وی در ادامه سخنان خود سعی کرد که نمایندگان شوراهای را با تهدیدات ضمنی و نیز وعده مقام در سیستم آینده، که پس از اتخاذ قانون اساسی جدید پیشنهادی یتسین مستقر خواهد شد، از جلسه دعوت شده از سوی کنگره نمایندگان خلق، دور نگاهدارد. او گفت: "با نمایش دور بینی سیاسی، نمایندگان می توانند مکان شایسته ای در زندگی روسیه جدید پیدا کنند".

به موازات جنگ و جدال ارگان های حاکمیت روسیه، وضعیت اقتصادی روز به روز وخیم تر می شود. بانک مرکزی روسیه اخیراً اعلام کرده است که در سال ۱۹۹۲ نرخ تورم ۲۶۰۰ درصد بوده است. قیمت برابری روبل در مقابل دلار در روز ۱۱ خرداد به ۱۰۲۴ روبل در مقابل هر دلار رسید.

آفریقای جنوبی

نلسون ماندلا، رهبر جبهه ضد آپارتاید اعلام نمود که دلیلی وجود ندارد که کنگره ملی آفریقا در مورد ائتلاف خود با حزب کمونیست آفریقای جنوبی تجدید نظر بکند. او با صراحت اعلام داشت: اتحاد مابین کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست آفریقای جنوبی پابرجا خواهد ماند. او اضافه کرد که این برای کنگره ملی آفریقا فاجعه بار خواهد بود که قبل از روی کار آمدن یک حکومت دموکراتیک جدید در آفریقای جنوبی در مورد جبهه متولفین خود اقدام به تجدید نظر بنماید.

نلسون ماندلا که برای مستمعین سفید پوست در گردهمایی تجار و صاحبان سرمایه در شهر معدنی نیوکاسل، سخن می گفت اشاره کرد که جامعه سفید پوست آفریقای جنوبی تخصص هایی دارد که برای کمک به ساختمان یک کشور دموکراتیک جدید مورد احتیاج است. او گفت: "یکی از خواست هایی که ما داریم این است که سفید پوستان آفریقای جنوبی را ترک نکنند. آن ها می بایست با ما باقی بمانند".

کنگره ملی آفریقا روز ۳ خرداد خواستار

افسانه "قرارداد آزاد" بین کارگر و کارفرما

محمد سلامتی، مشاور وزیر کار رژیم جمهوری اسلامی، خیر مصاحبه مسوومی به روزنامه "سلام" داشت که متن آن تحت عنوان "توبت کارگر و کارفرما" در هفت شماره این نشریه در بهمن و اسفندماه گذشته به چاپ رسید. در این مصاحبه، محمد سلامتی به مسائل گوناگون زجمله تاریخچه قانون کار، روند شکل گیری قانون کار در جمهوری اسلامی و برخی پیردت قانون کار فسمی رژیم پرداخته است. نظر به اهمیت مسایل مطرح شده در این مصاحبه ها، ما جوانب گوناگون آن را مورد بررسی قرار می دهیم.

آنچه در بدو مصاحبه سلامتی به شکل چشمگیری جلب توجه می کند، اعتقاد او به امکان وجود "قرارداد آزاد" بین کارگر و کارفرما است. او از همان ابتدا بحث خود را در مورد تاریخچه شکل گیری قانون کار چنین آغاز می کند:

"آن زمان (تا سال ۱۳۰۲)، روابط کارگر و کارفرما مانند روابط قبل از انقلاب صنعتی غرب بود و قانونی که حاکم بر روابط کارگر و کارفرما بود یک قانون "آزادی مطلق اقتصادی" بود، یعنی کارگر و کارفرمایی که می خواستند با هم کار کنند، آزادی مطلق داشتند که با همدیگر هر طور که صلاح می دانند قرارداد ببندند. پس قرارداد مبتنی بر آزادی طرفین و در واقع بنا به شروطی بود که با همدیگر به توافق می رسیدند. به هر حال "توافق طرفین" اصل حاکم بر روابط کارگر و کارفرما بود."

آنچه که در اینجا تکان دهنده است، نه محتوای این گفته، بلکه جاری شدن آن از زبان "مشاور وزیر کار" رژیمی است که خود را وارث انقلاب مردم ایران می داند. به همین دلیل لازم است بار دیگر ماهیت واقعی این دروغ بزرگ را که امروز حتی وزیر کار دولت آمریکا نیز جرات تکرار آن را ندارد، توضیح دهیم.

مارکس بیش از یکصد و پنجاه سال پیش در کتاب "سرمایه" این ادعای مدافعان سرمایه داری را مبنی بر اینکه در این نظام روابط کارگر و کارفرما بر "توافق آزادانه طرفین" استوار است مردود شناخت و ماهیت مزبورانه آن را افشا کرد. او در پاسخ به ادعای "آزادی" کارگران در چارچوب بازار آزاد سرمایه داری گفت: "این آزادی دوجنبه دارد: از یک سو، او (کارگر) به عنوان یک فرد آزاد می تواند نیروی کارش را به صورت یک کالا به معرض فروش بگذارد، ولی از سوی دیگر، او نه فقط هیچ کالایی جز این برای فروش در اختیار ندارد، بلکه از داشتن هر امکانی برای بهره برداری مستقل از نیروی کار خود نیز

محروم است". او این جدایی انسان ها از ابزارهای تولید و تبدیل آنها به فروشندگانی که صاحب هیچ کالایی به جز نیروی کار خود نیستند را یکی از شروط اساسی پیدایش "روابط آزاد" سرمایه داری می داند. به گفته مارکس: "تنها تفاوت این کارگران آزاد" با بردگان قرن ها پیش در این است که آنها امروز نیروی کار خود را فقط برای مدت زمان محدود می فروشند". و اگر این محدودیت زمانی مطرح نبود، در اینجا نیز "صاحب نیروی کار از یک انسان آزاد به یک برده، و از یک فروشنده کالا به خود کالا تبدیل می شد."

با این تفاسیل روشن است که در نظام سرمایه داری یک کارگر با اینکه در "انتخاب" کارفرمای خود "آزاد" است، اما در فروش و یا عدم فروش نیروی کار خود از هیچگونه "آزادی" انتخاب برخوردار نیست و بناچار باید برای حفظ بقای خود و خانواده اش نیروی کارش را به بهایی که کارفرمایان تعیین می کنند در بازار "آزاد" سرمایه داری به فروش برساند. این دقیقا همان چیزی است که نظام سرمایه داری تلاش می ورزد از پیش چشم امثال آقای سلامتی پنهان نگه دارد.

با این وجود، این تنها یک سوی قضیه است. برای آگاهی از ابعاد واقعی این دروغ بزرگ، باید به ماهیت "قرارداد آزاد" بین کارگر و کارفرما در نظام سرمایه داری نیز توجه کرد. در ظاهر، مضمون قرارداد بین کارگر و کارفرما در نظام سرمایه داری خیلی ساده و روشن به نظر می رسد، یک کارگر قبول می کند نیروی کار خود را برای زمان معینی به کارفرما بفروشد و کارفرما نیز متقابلا متعهد می شود که در مقابل این کار به او وجه معینی به عنوان دستمزد بپردازد. یک چنین توافقی ظاهرا هم آگاهانه، هم زودنه و هم منصفانه است و به نظر نمی رسد بتوان به آن ایرادی وارد کرد. اما ماهیت گمراه کننده آن زمانی روشن می شود که به توافق های پنهانی نهفته در آن نیز توجه کنیم:

۱- کارگر براساس این قرارداد حق خود به تعیین شکل و روند کار را به کارفرما واگذار می کند. به عبارت دیگر حق تعیین نوع تکنولوژی مورد استفاده، شیوه تقسیم کار در کارگاه، سرعت کار و حتی داشتن اطلاعات کلی مربوط به روند تولید، به کارفرما واگذار می شود؛

۲- کارگر در این قرارداد، حق خود به تعیین نوع کالایی که به وسیله کار او ایجاد خواهد شد را به کارفرما واگذار می کند. به عبارت دیگر، کارفرما حق دارد از کار او برای

هر کالایی که خود تشخیص می دهد استفاده کند و لولاینکه کالا هیچ فایده و مصرفی برای خود کارگر و بهبود شرایط زندگی او و نیاز دیگر انسان ها نداشته باشد؛

۳- از همه مهمتر براساس این قرارداد، کارگر حق مالکیت خود را بر کالایی که با کار خود تولید می کند به کارفرما واگذار می کند به عبارت دیگر کارگر حق مالکیت بر محصول کار خود را از دست می دهد.

مسئله اساسی مشترک در سه نکته ذکر شده بالا که اساس قرارداد "آزاد" ولی استثماری سرمایه داری را تشکیل می دهد، این است: در حالیکه از نقطه نظر کارفرما، بهای کار خریداری شده رقمی ثابت و معین است، برای کارگر، کمیت و کیفیت حقوقی که در این قرارداد به کارفرما واگذار می کند نامعین و نامحدود است. کارفرما می داند که پرداخت چه رقم ثابتی را به کارگر متعهد شده است ولی کارگر نمی داند که این دستمزد ثابت برای تولید چقدر کالا و با چه ارزشی است. ماهیت گمراه کننده و استثماری قرارداد "آزاد" بین کارگر و کارفرما نیز دقیقا در همین جا نهفته است. قرارداد براساس "توافق طرفین" تنها در صورتی معنا پیدا می کند که طرفین معامله از کمیت و کیفیت آنچه که می دهند و آنچه که دریافت می کنند بطور مشخص آگاه باشند.

قرارداد بین کارگر و کارفرما در نظام سرمایه داری، حتی اگر با تصمیم "آزادانه" طرفین هم امضا شود، از آنجا که کارگر در مقابل دریافت وجهی ثابت، تولید حجمی ناایست از کالاها و خدمات را برای کارفرما متعهد می شود، قراردادی گمراه کننده، استثماری و باطل است. همانطور که مارکس نشان داد این تنها جبر اقتصادی نظام سرمایه داری است که کارگران را به پذیرش یک چنین قراردادهای "آزاد" وادار کرده است. و تنها از طریق برانداختن جبر تحمیل شده از سوی نظام سرمایه داری کارگران خواهند توانست تصمیمات خود را "آزادانه" بگیرند و روند تولید اقتصادی جامعه را در خدمت بهبود شرایط زندگی خود و آزادی مجموعه جامعه بشری قرار دهند.

آقای سلامتی و امثال او بیهوده می کوشند چرخ تاریخ را با استفاده از دروغ های سرمایه داری از حرکت بازدارند.

کمیته حقوق بشر جنایتکاران!

بشر در این کشور را بنیان گذاشتند اما دولت علیستان بین کمیته را متحل و اعضای آن را تحت تعقیب قرار داد و نزدیک به ۴۰۰ تن از هواداران آن را دستگیر نمود.

کمیته حقوق بشر حاکمیت در جمهوری اسلامی که برای پرده پوشی بر جنایات خود حاکمان و اهانت به مدافعان واقعی حقوق انسان ها تشکیل گردیده است. خوب بود در آغاز کار خود فقط به چند سوال کوتاه پاسخ می گفت و موضع خود را در برابر آن روشن می کرد و مردم را در جریان می گذاشت. ۱- چه مجوزی آزادی فرد مخصوصاً آزادی زنان در جمهوری اسلامی به تأخیر کشیده شده است؟ ۲- چرا هیچ سازمان و نیروی سیاسی مخالف رژیم امکان تعدیت قانونی را در نمی باشد؟ ۳- چرا زندانیان سیاسی و فاجعه می، سومی و نحوه دادرسی پرونده آنان را اعلام نمی نماید. ۴- چرا آنان از داشتن وکیل مدافع محروم بودند؟ ۵- اساسی شکنجه شدگان را در اختیار مردم و مراجع بین المللی قرار نمی گیرد و عاملین و مسئولین مستقیم آن را برای مردم معرفی نمی شوند؟ ۶- دلیل مخالفت رژیم از ادامه ماموریت گالیندوئل چیست؟

مسلم است که کمیته دولتی حقوق بشر جمهوری اسلامی امکان پاسخگویی به سوالات یادشده را ندارد زیرا در آن صورت لازم است تمام سردمداران رژیم به جرم نقض وحشیانه حقوق انسانها، به مقامات قانونی نمایندگان واقعی مردم تحویل داده شوند.

این که در آستانه تشکیل کنفرانس جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد در وین مسؤلیت رژیم ولایت فقیه به چنین ترفندی دست می زنند تماشایی بوده است که جهانی بودن حقوق بشر را در پرده بهم بکشند. از نظر آنان سزای وحشیانه است اما، حقوق بشر، باید محمی باشد و تفسیر حاکمان بر عهده بگیرند.

محکومیت جمهوری اسلامی پرداخته و آن را در مجامع گوناگون بین المللی رسوا ساخته و تحت فشار قرار می دهد.

طبیعی است که رژیم حاکم بر میهن ما نه علاقه ای به رعایت مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر دارد و نه از محکومیت های متدوئه شرم می کند. اما آنچه که جالب است، حربه جدیدی است که سردمداران رژیم بدان متوسل شده اند تا خود را در مجموعه دولت های طرفدار حقوق بشر جا بزنند. "کیهان هوایی" ۵ خرداد می نویسد: برای نظارت بیشتر بر حسن اجرای حقوق بشر، کمیته حقوق بشر مجلس شورای اسلامی آغاز به کار کرد. بنا به اظهار رجایی خراسانی از ۱۷ عضو این کمیته، ۱۲ تن از نمایندگان مجلس و بقیه از صاحب نظران می باشند. گو اینکه تاکنون چیزی بنام رعایت حقوق بشر در ایران و چیزی بنام نظارت بر آن وجود داشت که امروز حاکمان برای نظارت بیشتر آن، شورا تشکیل می دهند! باید منتظر بود که فردا هم جلالان اوین، کمیته دفاع از زندانیان سیاسی را تشکیل دهند!

سردمداران جمهوری اسلامی، غیر حکومتی بودن اینگونه تشکیلات را خوب می دانند. اگر اطلاعات آنان در این مورد ناقص است می توانند به نشریات دولتی خود مراجعه کنند تا ماهیت اینگونه کمیته ها و شوراهای غیر دولتی را خوب بشناسند. روزنامه "کیهان" (۲۸ اردیبهشت) به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی می نویسد: "یک گروه هفت نفره از روشنفکران عربستان اخیراً کمیته ای به عنوان کمیته دفاع از حقوق

از زمانی که انسان ها به حقوق اجتماعی و سیاسی خود آگاه گردیدند، در برابر قلدردی و گردنکشی حاکمان به ایستادگی و مقاومت پرداختند و برای کوتاه کردن دست آنان از تجاوز به حقوق انسان ها، تشکیلات گوناگونی را سازمان دادند، کمیته های دفاع از حقوق بشر، یکی از انسانی ترین و شناخته شده ترین این ارگانها می باشد که جنبه جهانی پیدا کرده است.

امروز نیز در هر کشوری که کمیته ای از این شاخه بین المللی سازمان ملل متحد در حال کار و فعالیت است، از افراد و سازمان های غیر دولتی و غیر حکومتی تشکیل گردیده و محور فعالیت آنان افشای تجاوزات دولت حاکم بر حقوق انسان ها، بسیج افکار عمومی متجاوز و مطرح ساختن آن در مجامع جهانی می باشد تا با فشارهای داخلی و بین المللی رعایت آن از سوی دولت حاکم را ممکن سازد، زیرا هیچ حکومتی نقض حقوق بشر از جانب خود را اعلام نمی کند و نمی پذیرد.

از آنجاییکه در جمهوری اسلامی امکان چنین فعالیتی برای نیروهای غیر دولتی طرفدار حقوق بشر وجود ندارد، نیروها و افراد مخالف رژیم در مهاجرت، به تشکیل چنین کمیته هایی دست زده اند و مدتهاست، که با توجه به امکانات خود، نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را در مجامع جهانی افشا می سازند و در سایه چنین تلاش ها و فشارهایی است که کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد بارها و بارها به

زندانیان سیاسی را آزاد کنید!

خود، تحویل مردم داده بود! و تصور نمی کرد کسی که خلاف گفته های وی را خواهد گفت و دروغگو شناخته خواهد شد آیت الله یزدی، رئیس قوه قضائیه رژیم خواهد بود! یزدی اعلام می کند "رقم زندانیان (مجاهدین خلق) از بند انگشتان دست تجاوز نمی کند ولی از سایر (سازمان ها و احزاب سیاسی) زندانیانی وجود دارد. با این حال نسبت به کشورهای دیگر، می توانم بگویم ما زندانی سیاسی نداریم" (کیهان هوایی ۱۸ اردیبهشت).

ملاحظه می کنید؟ اظهارات ضد و نقیض دو ماه اخیر مسئولین جمهوری اسلامی به روشنی این حقیقت را عریان می سازد که زندان ها، هنوز از زندانیان سیاسی انباشته است و اظهار عقیده و اندیشه آزاد، که در جهت منافع رهبران رژیم نباشد، سرانجامی جز تاریکخانه ها و فراموشخانه ها ندارد و رژیم بی جهت تلاش می کند که چنین واقعیتی را انکار کند. رئیس قوه

ادامه در ص ۸

تهران با گستاخی اظهار داشت: "من اعلام می کنم در ایران به صرف عقیده یا هیچکس برخوردار نشده است... دستگاه قضایی ایران، احدی را بخاطر تفکرش مورد تعقیب قرار نمی دهد" و در همان سخنرانی و در ادامه این دروغ پراکنی به سازمان عفو بین المللی اعتراض کرد چرا مسائلی مانند نقض حقوق بشر در ایران توسط جمهوری اسلامی را مطرح می کند (رسالت ۲۴ بهمن) و فراموش کرد که یک هفته قبل فقط ۷۳۵ تن از این محکومین عقیدتی (مسائلی که دادگاه های انقلاب و دادگاه های ویژه روحانیت بدان رسیدگی می کند) مورد تخفیف مجازات و عفو قرار گرفته اند!

یکماه بعد، موسوی تبریزی که اظهارات قبلی خود را از یاد برده بود اعلام می کند "در زندان های کشور حتی یک نفر به جرم عقیده در زندان بسر نمی برد و هر کسی خلاف این را بگوید دروغ گفته است" (رسالت ۱۸ اسفند) و یادش رفت که چندی قبل، بزرگترین دروغ را

کسی فراموش نمی کند که موسوی تبریزی دادستان کل جمهوری اسلامی در ۵ بهمن ۷۱، تعداد زندانیان سیاسی را ۲ یا ۳ نفر اعلام کرد و خاطر نشان ساخت که "هیچگونه زندانی سیاسی در زندان های کشور وجود ندارد و آخرین اعضای نهضت آزادی نیز اخیراً از زندان آزاد شده اند" (سلام ۵ بهمن).

چند روز بعد از این ادعای دروغین در ۱۵ بهمن تعداد ۶۱۹ تن از محکومین دادگاه های انقلاب، از سوی رهبری مورد عفو و تخفیف مجازات قرار می گیرند! (همان منبع)، دو روز بعد در ۱۷ بهمن، ۱۱۶ تن از محکومین دادگاه های ویژه روحانیت مورد این بخشایش واقع می شوند! (اطلاعات ۱۷ بهمن) که جمع سر انگشتی این عفو شدگان بر خلاف ادعای دادستان کل جمهوری اسلامی نه ۲ نفر بودند و نه ۳ نفر!

یک هفته بعد در ۲۳ بهمن، آیت الله یزدی، رئیس قوه قضائیه رژیم در خطبه های نماز جمعه

انباشت سرمایه در روسیه

قاچاق را یکی از شیوه های شناخته شده آن دانسته است. آقای ژاک آتالی رئیس بانک اروپا برای توسعه و پیشرفت نیز از این تئوری اطلاع کافی دارد و در نشریه له اکو (۲۲ ژانویه) اعتقاد خود را به انباشت سرمایه ای که مارکس بدان اشاره کرده است اظهار می دارد و رسیدن به این مرحله را توسط طبقه بورژوازی جدید، لازم می شمارد.

رهبان روسیه نیز در این زمینه، گام های شتابانی بر می دارند، اما با استفاده از چه ابزارهای؟ از چه طریقی و با کدام شیوه؟ ما فقط به یکی از این شیوه ها که در نشریه فوق (له اکو ۲۳ ژانویه) چاپ گردیده است اکتفا می کنیم، خوب توجه کنید:

"ماقیای خطرناکی در روسیه شکل گرفته است که نقش اقتصادی عظیمی را در منطقه بازی می کند و جنایات خود را تا غرب نیز می کشاند. اعضای این ماقیا از دمکراسی موجود در روسیه بزرگترین استفاده را می برند و در انباشت سرمایه در این کشور، نقش مهمی را بازی می کنند. ماقیای جدید کشور آلمان را برای فعالیت خود انتخاب کرده است و مقاصد خود را از این طریق پیش می برد. آنان مواد مخدره ای را که در آسیای مرکزی تولید می شود یا هواپیما به آلمان منتقل می کنند و اتومبیل هایی را که در آلمان، فرانسه و بلژیک بسرقت رفته است با همان هواپیما به روسیه منتقل می نمایند. روسیه به بهشت پاکسازی میلیون ها دلار پول کثیف تبدیل گردیده است."

ملاحظه می کنید؟ هدف متمرکز کردن و انباشتن سرمایه است. و زمانی که دمکراسی موجود است نباید از شیوه های آن ستوال نمود!

فیلمی ساخته شده، نه آهنگی تازه و نه تئاتری. دانشمندان برجسته علمی و هنری، ازهیچگونه امکان مالی و میشتی برخوردار نمی باشند و خوش شانس ترین آنان در بنگاه های تجاری و شرکت های تعاونی استخدام گردیده اند. نتایج کار و تحقیق همچنان دزدیده می شود.

هر روز که می گذرد رادیو و تلویزیون و دیگر وسایل ارتباط جمعی که به عموم متعلق بوده است به ارگان رسمی حکومت تبدیل می گردد و تنها در راستای تبلیغات ضد کمونیستی بکار گرفته می شود.

طبیعی است که این گذار فاجعه آمیز، در رسانه های جمعی غرب بازگو نمی شود. حاکمان غرب همیشه اخباری را به اطلاع مردم خود می رسانند که منافع طبقاتی خود را خدشه دار ننمایند. آیا در غرب کسی می داند که شمار خودکشی ها در شش ماهه اول سال ۹۲ در روسیه، بیش از شمار تمام کشته شدگان جنگ دهساله در افغانستان می باشد؟ آیا کسی می داند که کوبا تنها کشوری بود که پذیرایی و درمان بخش عظیمی از کودکان فاجعه چرنوبیل را بعهده گرفته است؟ آیا کسی می داند که آبیماال گازمن، رهبر حزب کمونیست پرو از زمان دستگیری خود در ۱۲ سپتامبر گذشته، ۲۲ کیلو وزن خود را از دست داده است؟... بدیهی است که پخش و تفسیر چنین اخباری برای حاکمان سرمایه داری جاذب نمی باشد، همانگونه که شیوه های انباشت سرمایه در روسیه نیز از دید مردم غرب پنهان نگهداشته می شود.

کمونیست ها می دانند که مارکس در کتاب کاپیتال خود به راه های گوناگون انباشت سرمایه اشاره نموده و دزدی و غارت و چپاول و

اوضاع آشفته امروزی در جمهوری های اتحاد شوروی سابق بر کسی پوشیده نیست. گردانندگان فرصت طلب و بورژوازی امروزی به رهبری یلتسین، تصمیم خود را در پش بدون وقفه بسوی اقتصاد سرمایه داری با شتاب تمام ادامه می دهند. گو اینکه فرصت برای ادامه ماموریت بسیار کم است و لذا به عواقب وخیم آن که گریبانگیر میلیون ها تن از مردم و زحمتکشان روسیه گردیده است، تفاوتی نشان نمی دهند.

بنا به قول نینا آندریوا، رهبر حزب کمونیست بلشویک اتحاد جماهیر شوروی، دیگر مهم نیست که ارزش روبل صد بار پایین آمده باشد، حقوق کارکنان ماه ها پرداخت نشده باشد، حقوق بازنشستگان پایین آمده باشد، قتل و جنایت سیر صعودی طی بکند، دانشجویان گرسنه بمانند، هر هفته حدود هزار مجتمع کاری بسته شود، لشکر بیکاران افزایش یابد، روشنفکران جامعه، گروهان ضد انقلابیون باشند، تمام ذخایر استراتژیکی و طلائی یک ملت به یغما برده شود، شخصیت خلق های سابق اتحاد شوروی تحقیر بشود... فرصت طلبان و ضد انقلابیون، انقلاب بورژوازی خود را بهر قیمتی که تمام بشود، باید پیش ببرند تا رهنمودهای غرب در مورد انحصار سرمایه و انباشت آن در دست میلیونرهای جدید به پیروزی برسد و سیستم حکومتی سرمایه داری که در یک قرن اخیر در غرب جا افتاده است، در کوتاه ترین مدت ممکنه، در روسیه شکل بگیرد و بازگشت ناپذیر گردد. در این رهگذر هر آنچه که دستاورد سال ها تلاش و فداکاری بوده است باید از ریشه نابود گردد.

کمک های محدود مالی که از سوی بنگاه های پولی غرب در اختیار روسیه گذاشته می شود، دقیقاً در همین راستا هزینه می شود و برای انهدام دانش پیشرفته قضایی، نظامی و علمی این کشور خرج می گردد. در سال های اخیر نه کتابی تازه منتشر گردیده است، نه

زندانیان سیاسی را ...

قضائیه رژیم که گویا از آمار زندانیان سیاسی کشورهای دیگر، اطلاعاتی باندازه کافی دارد، از ارائه آمار زندانیان سیاسی کشور خود عاجز است و به همراه مقامات دیگر رژیم، فقط به سفسطه پردازی در این زمینه ادامه می دهد و به نمایندگان سازمان های جهانی که به اسناد نادری از جنایات رژیم دست یافته و انتشار داده اند اعتراض می کنند که چرا مسئله حقوق بشر در ایران را مطرح می سازند!

کارزار و تلاش مشترک برای آزادی زندانیان سیاسی از وظایف فوری نیروهای اپوزیسیون می باشد. تلاش گسترده و مشترک یکنه راه گشودن درهای زندانها بر روی این فرزندان مقاوم می باشد. هیچ مانعی نباید و نمی تواند بهانه ای برای ادامه پراکنده کاری های جداگانه در مورد زندانیان سیاسی قرار گیرد.

زندانیان سیاسی باید آزاد شوند و جرم قربانیان باید اعلام شود. مبارزه مشترک، یکنه راه حصول به این خواسته انسانی است.

زندانیان سیاسی و قربانیان کشتارهای جمعی که جرمی جز اندیشه خویش نداشتند، اسیران و جان باختگان و فرزندان شریف میهن ما می باشند که جمهوری اسلامی دست خود را به خون آنان آغشته ساخته و ننگ تاریخی را بر پیشانی خود مهر کرده است. چند صباحی دیگر، یاران، پدران، مادران و خانواده های این اسیران و جان باختگان درهای زندانها را خواهند گشود و آنان که این ستم حیوانی را بر انسان های شریف روا داشته اند پاسخگوی عملکرد ناجوانمردانه خود خواهند بود.

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 1000 Berlin 10, Germany

NO : 403

June 8 , 1993

نامهء

مردم